راه انقلاب باز می شود.

حسن بهگر



انتخابات عبارتست از منصوب کردن یک یا چند نفر برای مسئولیت های سیاسی و اداره کشور و در حقیقت تکنیکی است در خدمت دموکراسی، به این معنا که قدرت از مردم است و آنان می توانند در اداره ی کشور دخیل باشند. با انتخابات مردم تصمیم می گیرند که چه کسانی بر آنان و کشور حکومت کند.

در یک انتخابات آزاد مردم حق دارند خود را کاندیدا کنند ولی در جمهوری اسلامی با بودن شورای نگهبان که برگزیده ی رهبری است کاندیداها الک شده و رد می شوند و مردم فقط بین کاندیداهای حکومت باید انتخاب کنند که در حقیقت انتصاب است در لباس انتخابات.

برای اینکه انتخابات آزاد باشد در درجه ی نخست باید احزاب و سازمان های سیاسی آزاد باشند. پس از انقلاب 57 و به قدرت رسیدن ملایان همه احزاب و سازمان ها سرکوب شده و به هیچ حزب و سازمانی به بهانه اینکه لایحه ی احزاب تصویب نشده اجازه فعالیت ندادند و سپس قانونی تصویب کردند که در ماده ی اول آن آمده بود :

«ماده 1 – حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص‌حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام‌جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.»(1)

حزبی که اهداف و برنامه هایش به صورتی منطبق با خط مشی نظام باشد چیزی جز پادویی نظام و پامنبری آن نیست. این ماده ی مسخره در حقیقت چهره ی توتالیتر این حکومت را به معرض نمایش می گذارد. همین ماده اول ما را از خواندن بقیه این قانون بی نیاز می کند.

نکته جالب اینست که قانون بالا ظاهراً با امضای علی اکبر رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس در سال 1360 تصویب شده ولی تا آنجا که بیاد دارم انتشار بیرونی نیافت زیرا بخاطر مطالب آن برای مردمی که برای آزادی و دموکراسی انقلاب کرده بودند موهن و باور نکردنی بود و امکان اعتراض گسترده می رفت و جرأت انتشارش را نیافتند ولی تا

توانستند به این بهانه تشکیل اتحادیه، سندیکا و انجمن و غیره را به بهانه ی آنکه قانون احزاب تصویب نشده معوق گذاشتند.

در تاریخ 1395/8/26 حسن روحانی قانون احزاب را از مجلس گذراند و مطالب قبلی را سر و صورت مقبول تری داد :

«۱ـ حزب: تشکیلاتی است متشکل از اشخاص حقیقی که با برنامه مشخص در جهت کسب و مشارکت در قدرت سیاسی و نقد و اصلاح آن، در چهارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران براساس مرامنامه و اساسنامه مصوب خود در سطح ملی یا استانی فعالیت می‌کند.»

البته مشخص است که فقط توانسته اند در این مدت خود را قانع کنند که از حزب یک تعریف معمولی ارائه بدهند که تا کنون نیزجامه عمل نپوشیده و با کنترل های ولایت فقیه همچنان دربر روی همان پاشنه خواهد چرخید.

گذشته ازاحزاب، کدام آزادی بیان و آزادی تجمع وجود دارد. قدیمی ترین تشکیلات سیاسی ما یعنی جبهه ملی از هیچگونه آزادی برخوردار نیست و همواره جلسات آن با تهدید تعطیل شده است. در چهل سال گذشته زندان ها انباشته از روزنامه نگاران و مخالفان بوده است و به هیچ تجمعی جز خودی ها اجازه گردهمایی داده نشده است .

دیگر اینکه یک حکومت منتخب نباید آلوده به ارتشاء و فساد باشد و اگر چنین چیزی اتفاق افتاد با توجه به مسئولیتش باید در مقابل رأی دهندگان پاسخگو باشد .هنگامی که میلیاردها ثروت کشور توسط مسئولان خودی و نورچشمی ها و آقازاده ها به غارت رفته و رهبر به گفتن کش ندهید اکتفا کرده است این حکومت فاسد و جنایتکار فقط قابل طرد کردن است نه رأی دادن.

مردم باید امنیت داشته و در برابر قانون حقوق برابر داشته باشند. هنگامی که تبعیض دینی بیداد می کند و بسیاری از دیگر ادیان رسمی اعدام و زندانی و سربه نیست شده اند و حتا از دادن کارت ملی به ادیان غیر رسمی خودداری می شود. هنگامیکه حقوق نیمی از جمعیت کشور زنان زیر پا گذاشته شده است چگونه از حقوق برابر می توان سخن گفت.

خلاصه اینکه هیچ یک از ویژگی های دموکراتیک در این نظام وجود ندارد که شایسته ی رأی دادن باشد و باید این نمایش را تحریم کرد.

نکته جالب توجه در جمهوری اسلامی اینست که خودش را حکومت دیکتاتور یا توتالیتر نمی داند بلکه فقط با داشتن یک پارلمان ساختگی، خودش را یک حکومت دموکرات نسبی در منطقه معرفی می کند و مسئولان حکومت در برابر ناظران خارجی این مجلس فرمایشی و دستچین شده را به رخ آنها می کشند که ماییم« طاووس علیین شده».

باید این نمایش مضحک و مسخره را برای همیشه رسوا کرد و چهره ی واقعی حکومت را به جهانیان نشان داد. نگذارید اصلاح طلبان دوباره با طرح انتخاب بین بد و بدتر، این چهره ی کریه را با سیدخندان و با رنگ سبز و بنفش یا هر رنگ دیگری، شما را رنگ کنند. همه در این حکومت تزویر و دروغ و جنایت شریکند و باید بروند.

این بار مثل این است که مردم به طور جدی متوجه بازی شده اند و دیگر دل به دروغ های اصلاح طلبان نمی دهند. اول شعار های طرد اصلاح طلبان را شنیدیم، حال گویا مردم میخواهند، چنان که باید از روز اول می کردند، به صندوق رأی پشت کنند تا حکومت را از این حقانیت (مشروعیت) قلابی که به بهای ارزان می خرد، محروم سازند.

ولی رأی ندادن کافی نیست، مهم این است که مردم به هر ترتیب که می توانند و به هر کس که میتوانند، بگویند که رأی نخواهند داد و برای چه رأی نخواهند داد. این است پیامی که باید به همه داده شود تا همگان بفهمند که دیگر این بازی در ایران به سر آمده است.

گذر از اصلاح طلبی و پشت کردن به صندوق رأی، هر دو، مقدمه است برای رفتن به سوی براندازی و انقلاب. مردم باید بدانند که تا وقتی بخواهند با کلمه ی انقلاب لجاجت کنند، گرفتار عواقب انقلاب بد عاقبت اسلامی خواهند ماند. اگر می خواهید از حاصل انقلاب قبلی خلاص شوید باید انقلاب جدیدی بکنید.

حسن بهگر

جمعه، ۱۱ بهمن ۱۳۹۸

Friday, January 31, 2020

برگرفته از سایت ایران لیبرال